



عادی‌سازی روابط روسیه و اوکراین در آینده نزدیک محتمل نیست/ احتمال تجدیدنظر کشورهای در رابطه با سیاست‌های نئولیبرال شدت یافته

استادیار دانشگاه جواهر لعل نهرو گفت: اگر کشورهای غرب آسیا بتوانند این بحران را به فرصتی تبدیل کنند که سیستم انرژی اوراسیا بتواند امنیت انرژی را از طریق فراهم آوردن منابعی که آسیب کمتری به محیط‌زیست می‌رساند، پیوسته در جریان هستند و قیمت مناسبی هم دارند محقق کند، معادله‌ای که به شکل‌گیری نظم جدید انرژی منجر می‌شود را تغییر خواهند داد.

آران نیوز: «کی بی اوشا»، استادیار دانشگاه جواهر لعل نهرو، در گفت و گو با خبرنگار ایلنا در ارزیابی تحولات کوتاه مدت و بلندمدت جنگ روسیه و اوکراین گفت: احتمال اینکه این درگیری به جنگی فرسایشی تبدیل شود، دور از تصور نیست. با توجه به ماهیت این جنگ و تسلیح اوکراین توسط ایالات متحده و ناتو، اگر دو طرف بر سر خاتمه جنگ به توافق نرسند این امکان وجود دارد که این درگیری‌ها به صورت فرسایشی ادامه پیدا کند.

وی ادامه داد: حساس ترین موضوعاتی که در مذاکرات صلح میان روسیه و اوکراین به آن‌ها پرداخته خواهد شد، الحاق شبه جزیره کریمه به روسیه و استقلال جمهوری های دونتسک و لوهانسک در منطقه دونباس از اوکراین هستند. هر گونه پیشرفتی در رابطه با موضع گیری اوکراین در قبال روسیه به روابط روسیه و ایالات متحده بستگی دارد، در نتیجه، چشم انداز عادی شدن روابط میان روسیه و اوکراین در آینده نزدیک چندان محتمل به نظر نمی رسد.

اوشا افزود: سیاست های آنگلو ساکسون ها نشان دهنده این است که آن‌ها می خواهند با تسلیح و ارائه کمک های اطلاعاتی و مالی به اوکراین، این جنگ را تا آنجایی که در توان دارند ادامه بدهند و پوتین و کشورش را تضعیف کنند. روسیه هم به راحتی این جنگ را رها نخواهد کرد چرا که با تهدید وجودی ناتو در حال جنگ است. روسیه این جنگ را همان گونه که در گذشته و در جنگ با ناپلئون و هیتلر ادامه داد، تا به دست آوردن پیروزی متوقف نخواهد کرد. در چنین شرایطی، اگر مذاکرات به نتیجه نرسند، این درگیری‌ها ادامه پیدا کرده و به جنگی فرسایشی تبدیل خواهند شد.

این استادیار دانشگاه در خصوص احتمال استفاده ابزاری روسیه از نیروگاه اتمی چرنوبیل به منظور پیشبرد اهداف خود اظهار داشت: نیروگاه چرنوبیل پس از فاجعه سال ۱۹۸۶، تعطیل شد؛ اما بالا بودن سطح تشعشعات هسته ای در منطقه ای که این نیروگاه در آن واقع شده است، همچنان موجب نگرانی است. از آنجایی که این نیروگاه در مسیری واقع شده که کوتاه ترین مسیر ممکن از بلاروس به کی یف است و با توجه به هدف روسیه برای تصرف سریع شهرهای مهم اوکراین مانند کی یف، خارکیف، خرسون و... از نظر بسیاری از تحلیلگران، اشغال این منطقه توسط ارتش روسیه منطقی به نظر می رسد.

وی در رابطه با چشم انداز روابط مسکو و مینسک با توجه با درگیری های کنونی در اوکراین گفت: روسیه و بلاروس با توجه به پیمان اتحادی که با یکدیگر دارند، روابطشان بسیار نزدیک است. روسیه به بلاروس کمک کرد تا از وقوع انقلاب رنگی در این کشور جلوگیری شود و در جریان اعتراضات اخیر این کشور، لوکاشنکو را از سقوط نجات داد. عدم دسترسی بلاروس به آب های آزاد (محصور در خشکی) این کشور را ملزم کرده است تا برای دریافت کمک های اقتصادی و همکاری های نظامی به روسیه وابسته باشد. زبان روسی، زبان رسمی این کشور است و پوتین متعهد شده است که حمله نظامی به بلاروس، حمله به خاک روسیه تلقی خواهد شد.

اوشا افزود: نزدیکی لوکاشنکو به پوتین، مورد تأیید جریان های سیاسی لیبرال نیست و این جریان ها، وابستگی بیش از حد به روسیه را تهدیدی برای استقلال بلاروس می دانند.

این تحلیلگر و استاد دانشگاه آینده سیاسی پوتین در سایه جنگ کنونی روسیه و اوکراین را اینگونه پیش بینی کرد: از آغاز جنگ تاکنون، محبوبیت پوتین در نزد افکار عمومی روسیه افزایش پیدا کرده است. بر اساس نظرسنجی مرکز «لودا» که در ماه فوریه صورت گرفته است، حدود ۷۰ درصد از مردم روسیه از اقدامات پوتین حمایت می کنند. خبرگزاری «تاس» گزارش داد که بر اساس نظرسنجی که از هفتم تا ۱۳ مارس صورت گرفته است اعتماد عمومی نسبت به پوتین، ۸۰ درصد افزایش پیدا کرده است. اما آمریکا صحنه را به شکلی مدیریت می کند تا پوتین را به دام بیندازد، همان طور که صدام، قذافی و... را به دام انداخت. ابتدا وی را به عنوان دشمن معرفی می کنند، سپس یاغی، سپس تروریست، سپس قاتل، سپس جنایتکار علیه بشریت، جنایتکار جنگی و در نهایت وی را ترور می کنند. چنین داستان سرائی هایی در رسانه های اجتماعی مانند فیس بوک هم دیده می شود؛ این رسانه اجتماعی، هیچ گونه محدودیتی نسبت به اخباری که علیه روسیه و پوتین در این رسانه اجتماعی منتشر می شود اعمال نمی کند.

وی افزود: پوتین، منتخب مردم روسیه است و تنها مردم این کشور از این حق برخوردارند تا رهبری کشورشان را تغییر دهند. تاکتیک ناتو اینگونه است که روسیه را تحریک به جنگ کند و از این طریق دولت پوتین را سرنگون و دولت دست نشانده آمریکا را در روسیه بر سر کار بیاورند. انگیزه اصلی «جو بایدن» از بیان این نکته که پوتین نمی تواند در قدرت باقی بماند و «بوریس جانسون» از متهم کردن پوتین به استفاده از «تاکتیک های وحشیانه علیه غیرنظامیان بی گناه» در اوکراین، در راستای تحقق چنین هدفی است.

اوشا تصریح کرد: البته تردیدهای بسیاری وجود دارد که آرزوی رهبران غربی آن طور که در رابطه با صدام و قذافی به تحقق پیوست، در خصوص پوتین و روسیه نیز محقق شود.

وی در پایان و در پاسخ به این پرسش که تأثیر جنگ روسیه و اوکراین بر معادلات جهانی انرژی چه خواهد بود گفت: من معتقد هستم، از آنجایی که روسیه یکی از بزرگ ترین صادرکنندگان نفت و گاز است؛ درگیری های روسیه و اوکراین تأثیرات شدیدی بر بازار جهانی انرژی و امنیت انرژی خواهند داشت. آژانس انرژی جهانی (آی ای ای) در خصوص احتمال بروز بحران انرژی در آینده هشدار داده است و از کشورهای جهان خواسته است تا اقداماتی را در راستای کاهش مصرف انرژی صورت دهند. بر اساس ارزیابی این آژانس،

روسیه پس از ایالات متحده و عربستان سعودی در جایگاه سومین تولیدکننده نفت در جهان باقی خواهد ماند. امنیت انرژی اتحادیه اروپا و بریتانیا به گاز روسیه وابسته است.

اوشا ادامه داد: اکنون که غرب، به رهبری آمریکا، بخش انرژی روسیه تحریم کرده است، اتحادیه اروپا که ۴۰ درصد از انرژی خود را از گاز روسیه تأمین می کند، باید منابع جایگزینی پیدا کند، در غیر این صورت این منطقه با افزایش قیمت ها، تورم و اعتراضات مردمی مواجه خواهد شد. جنگ، وضع تحریم های بی سابقه علیه روسیه و عدم دسترسی مسکو به بانک ها و بازار انرژی غرب، با توجه به وابستگی کشورهای اروپایی به نفت و گاز این کشور، به امنیت انرژی اروپا صدمه شدیدی وارد می کند. بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا، باید در رابطه با امنیت انرژی خود تجدیدنظر کنند. اما، از سویی دیگر این جنگ می تواند فرصتی برای کشورهایی مانند: چین، هند، ایران و... باشد تا واحدهای پول ملی شان را در فعالیت های تجاری با روبل معاوضه کنند. چین، هند و عربستان سعودی موافقت کرده اند تا با چنین شرایطی به تجارت با روسیه بپردازند.

وی تصریح کرد: اگر کشورهای غرب آسیا بتوانند این بحران را به فرصتی تبدیل کنند که سیستم انرژی اوراسیا بتواند امنیت انرژی را از طریق فراهم آوردن منابعی که آسیب کمتری به محیط زیست می رسانند، پیوسته در جریان هستند و قیمت مناسبی هم دارند محقق کند، معادله ای که به شکل گیری نظم جدید انرژی منجر می شود را تغییر خواهند داد. تجربه روسیه، همچنین ممکن است بسیاری از کشورهای غیرغربی را به تجدیدنظر در رابطه با سیاست های نئولیبرال وادارد. نتایج زبان آور این سیاست ها برای کشورها و مناطق مختلف و مسدود کردن منابع مالی و دارایی های یک کشور می تواند به پایان جهانی شدن و سلطه غرب و ایالات متحده منجر شود. چراکه، اقداماتی از این دست شکل جدیدی از استعمار و سرقت منابع از سوی قدرت های سلطه گر است.